

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۷، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۵

صفحات ۲۳ تا ۵۲

برده‌داری سنتی و مدرن در حقوق بین‌الملل و اندیشه اسلامی؛ با نگاهی به وضعیت زنان و کودکان

مریم احمدی نژاد*

استادیار دانشگاه الزهراء (س)

یاسر امین‌الرعايا

دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل عمومی و مدرس دانشگاه

(Email: Aminroaya.Yaser@gmail.com)

محمود گنج‌بخش

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل

(Email: Mganjbakhsh@gmail.com)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۱۷)

چکیده

روزگاری «برده‌داری» به‌عنوان یک ارزش آن‌چنان در تمامی جنبه‌های زندگی انسان و شئون اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی جامعه انسانی رسوخ کرده بود که انکار آن غیرممکن به‌نظر می‌رسید، ولی در فراز و نشیب حرکت بشر به سوی تکریم انسان و پذیرش حقوق بشر، به‌تدریج این سنت غلط نه‌تنها به یک عمل غیرقانونی تبدیل شد، بلکه جامعه جهانی در سایه حقوق بین‌الملل «حق به‌بردگی کشیده نشدن» را در بالاترین سطوح قواعد بین‌المللی مستقر در عرف بین‌المللی و معاهدات بین‌المللی حقوق بشری پذیرفت و این درحالی است که امروزه جرم مرکبی با عنوان «قاچاق انسان» در جوامع بشری شایع شده که به‌عنوان نوع مدرنی از برده‌داری نظر محافل حقوقی بین‌المللی را به خود جلب کرده است؛ چراکه در این چارچوب انسان‌ها همچون کالایی که فاقد موضوعیت حقوقی هستند، شمرده می‌شوند و به‌سختی دیگر بردگانی بیش نیستند. این جنایت بین‌المللی که بیشتر در خصوص زنان و کودکان اعمال می‌شود، به یکی از معضلات جامعه جهانی تبدیل شده است. در این میان، برای تبیین مسئله چالشی برده‌داری در اندیشه اسلامی، تلاش شده است تا در خلال مباحث ارائه‌شده، دیدگاه اسلام شیعی در خصوص مسائل مطرح‌شده تحلیل و بررسی شود.

واژگان کلیدی

اسلام، برده‌داری، حقوق بین‌الملل، زنان و کودکان، قاچاق انسان.

مقدمه

برده‌داری به معنای استیلا و چیرگی یک فرد نسبت به دیگری است و سیطره‌ای است که همه شخصیت فردی را که موضوع استیلاست، از بین می‌برد (Allain, 2008(B), p.287). از نظر تاریخی، در ابتدا برده‌داری و تجارت برده نه تنها از سوی اغلب جوامع به صورت قانونی به رسمیت شناخته شده بود، بلکه بردگان که شناسایی آن‌ها به‌عنوان اشخاص حقوقی انکار می‌شد، به‌مثابه دارایی حقوقی مالکانشان شمرده می‌شدند (Smith, 2007, p.236). مبارزه با برده‌داری در طول تاریخ کم‌وبیش وجود داشته است، ولی از اوایل قرن نوزدهم تلاش‌های بین‌المللی برای پایان بخشیدن به این پدیده شوم اوج گرفت و پس از الغای برده‌داری در اوایل قرن بیستم، برده‌داری مدرن به شکلی دیگر در جامعه بین‌المللی نمایان شد. در واقع این جنایت بین‌المللی که شخصیت حقوقی افراد انسان را به کلی از بین می‌برد، به‌عنوان یک رابطه اجتماعی-اقتصادی هرگز در طول تاریخ متوقف نشد؛ هرچند شکل و تعریف آن متحول شده است. حال مسئله عمده این است که جایگاه برده‌داری سنتی و برده‌داری مدرن در عرصه بین‌المللی و در میان قواعد حقوق بین‌الملل چیست؟ و نیز با توجه به شباهتی که در خصوص نگاه دین مبین اسلام به مسئله برده‌داری وجود دارد و به این موضوع منجر شده است که برخی از روی دشمنی یا غفلت بردگی را جزء ذات دین اسلام می‌شمرند، لذا پاسخگویی به این پرسش اهمیت می‌یابد که نظر اسلام در خصوص مسئله برده‌داری چیست؟ برای دستیابی به پاسخ این پرسش‌ها، نوشتار حاضر با رویکردی حقوق بشری از طریق تحقیقی اکتشافی-توصیفی با استفاده از سبک تحلیل محتوا و به‌کارگیری منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی اعم از کتاب‌ها و مقالات فارسی و انگلیسی و عربی، اسناد بین‌المللی، آرای قضایی بین‌المللی، گزارش‌ها و تفاسیر عمومی مراجع بین‌المللی، به بررسی پدیده برده‌داری از گذشته تاکنون می‌پردازد و در این زمینه توجه و عنایت ویژه‌ای به بردگی زنان و کودکان و رویه معاصر دارد. همین‌طور به دلیل وجود نحله‌ها و مکاتب فکری متعددی که ذیل دین مبین اسلام شکل گرفته‌اند، برای دستیابی به عمق دیدگاه اسلامی در این نوشتار دایره اسناد استنادی به آیات قرآنی و احادیث معتبر شیعی و شروح آن‌ها محدود شده است. لذا با عنایت به اهمیت و ضرورت تبیین مسئله برده‌داری، نوشتار حاضر به این ترتیب ارائه می‌شود:

• برده‌داری سنتی؛

- برده‌داری مدرن که امروزه در حوزه حقوق بین‌الملل به‌عنوان «قاچاق انسان»^۱ شناسایی شده است؛
- واکاوی جایگاه قاعده بردگی در میان اسناد بین‌المللی و قواعد حقوق بین‌الملل.

برده‌داری سنتی

هم‌زمان با تأسیس مالکیت خصوصی و توسعه آن، و به تبع آن ایجاد طبقات ممتاز اجتماعی، نجیب‌زادگان و اشراف، مسئله بردگی گرفتن انسان‌ها نیز پدیدار شد. با این توضیح که به دلیل عدم توانایی طبقات ممتاز جامعه در زراعت و دامداری، نیاز به به‌کارگیری افراد دیگری در انجام مشاغل سخت احساس شد؛ به این منظور، ایده کشتن اسرا و یا سوزاندن ایشان، تبدیل به گماشتن آن‌ها در مشاغل دشوار گردید. در واقع، آن روز که انسان از کشتن دشمن خود چشم پوشید و به بندگی گرفتن او قناعت کرد، از لحاظ اخلاقی پیشرفت شایان ملاحظه‌ای در حوزه بشری حاصل شد. «هنگامی که سازمان بردگی بر شالوده‌ای قرار گرفت و سود آن شناخته شد، دامنه برده‌گیری وسعت پذیرفت، و غیر از اسیران جنگی دسته‌های دیگری، مانند کسانی که وام خود را نمی‌توانستند بپردازند، یا جنایتکاران، را نیز در عداد غلامان درآوردند، و هجوم‌هایی تنها به خاطر گرفتن بنده مرسوم گردید. به این ترتیب، بردگی، که از جنگ نتیجه شده بود، کارش به جایی رسید که خود عامل پیدایش جنگ شد» (دورانت، ۱۳۷۰، ص ۳۱). لذا به مرور زمان، برده‌داری به‌عنوان یک سنت غلط به‌نحو چشمگیری توسعه‌یافت تا جایی که این عمل نکوهیده در میان تمام ملت‌ها و اقوام دنیای کهن رایج شد.^۲ نتیجه اینکه این پدیده در دوره‌های گذشته مستند به ریشه‌های عمیق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بود؛ به‌طوری که حتی افلاطون و ارسطو نیز این پدیده را به‌عنوان یک قانون اصیل اجتماعی تلقی کرده، فلسفه سیاسی و اجتماعی خود را بر آن بنیاد نهاده‌اند (جعفری، ۱۳۷۰، ص ۴۴۳). چنانچه ارسطو که در قرن چهارم میلادی می‌زیست، بردگی را امری طبیعی معرفی نموده، برده را نه انسان، بلکه ابزاری در کنار دیگر ابزارها در نظر می‌گرفت. وی معتقد بود هر یک از انسان‌ها طبیعتاً در نقشی خاص قرار می‌گیرند. از این رو، وی تأکید می‌کند: هر کس که به حکم طبیعت نه از آن خود، بلکه از آن دیگری باشد، طبعاً بنده است (ارسطو، ۱۳۵۴، ص ۸-۱۴). همچنین ارسطو مساوی نبودن

1. Human Trafficking

۲. خداوند تعالی در ماجرای حضرت یوسف (ع) می‌فرماید: «وَسَرَّوْهُ بِتَمَنِّ بَخْسٍ دَرَاهِمٍ مَّعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ». این آیه بیانگر قدمت رواج خرید و فروش انسان در میان جوامع انسانی در هزاران سال پیش است.

انسان‌ها را امری طبیعی و بردگی را جزء ذات بردگان تعبیر می‌کرد. بر این اساس، تحت تأثیر عرف رایج و عقاید علمای آن دوران، خرید و فروش انسان‌ها به صورت تجارت قانونی بردگان رواج داشت و نظام‌های مختلف نه تنها برده‌داری را نفی نمی‌کردند، بلکه صاحبان قدرت در این امر دخالت داشتند (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۷، ص ۴۷).

بدین‌سان بعثت پیامبر اسلام (ص) در شرایطی واقع شد که برده‌داری به‌عنوان امری قانونی و طبیعی با فرهنگ و اقتصاد آن روز پیوندی ناگسستنی داشت. از این رو، در چنین شرایطی ممنوعیت صریح و ناگهانی بردگی از سوی جوامع قابل تحمل نبود^۱ و برای دین نوین و نوپای اسلام مقابله با آن بسیار دشوار بود. «ممنوعیت بردگی» برای اکثریت مردم آن روز ضد ارزش به‌شمار می‌رفت و پذیرش آن نیازمند ایجاد زمینه‌های فکری و فرهنگی بود که عزم و اراده جهانی را با خود همراه سازد؛ چراکه بدون فراهم آمدن این زمینه‌ها، مبارزه گسترده و همه‌جانبه با این معضل ریشه‌دار جهانی امکان‌پذیر نبود و الغای بردگی از سوی انسان‌هایی که به آن خو گرفته بودند، پذیرفته نمی‌شد. بر این اساس، مبارزه عملی با برده‌داری نیازمند طرح مسائل بنیادین فکری در این باره بود، زیرا همان‌طور که بیان شد، در بسیاری از جوامع این تفکر وجود داشت که برخی انسان‌ها اساساً برده متولد و آفریده شده‌اند (عرب ابوزیدآبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰). در راستای این تدبیر، اسلام اصلاحات فرهنگی گسترده‌ای را در خصوص بردگان آغاز کرد که در دنیای آن روز طرف‌دار نداشت، زیرا در محیطی که «زنان آزاد» حق حیات نداشتند و زنده به خاک سپرده می‌شدند، پیداست که با برده‌ها که اصولاً جزء بشر به حساب نمی‌آمدند، چگونه برخورد می‌شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ب)، ص ۱۰). به این ترتیب، در فرهنگ اسلامی با وضع قواعد و قوانینی سعی شده است برده‌داری تا حد ممکن محدود شود، چراکه اصل اساسی دین اسلام بر پایه آزادی انسان‌ها از کلیه قیود به غیر از بندگی خداوند تبارک و تعالی است. اصولاً بعثت انبیای الهی نیز با همین هدف صورت گرفته^۲ و یکی از بزرگ‌ترین وظایف انبیا (ع)، برداشتن زنجیرهای گران از دوش مردم بوده است. سخنان پیامبر اعظم (ص) نیز مؤید این معناست که بنای اسلام بر آزادی و برابری افراد بشر گذارده شده است. برای نمونه به حدیث شریفی از رسول گرامی اسلام (ص) اشاره می‌شود که فرموده‌اند: «تمامی انسان‌ها آزاد هستند و همگی به‌سان دندان‌های شانه با هم برابرند»^۳ (حلوانی،

۱. همان‌طور که پس از قرن‌های متمادی از آن زمان در اواخر قرن نوزدهم میلادی برای الغای بردگی در امریکا یک جنگ خونین چهارساله (جنگ‌های انفصال) صورت می‌گیرد که عده زیادی را به خاک و خون می‌کشد (برای مطالعه بیشتر ر.ک. ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ص ۷).

۲. «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف: ۱۵۷).

۳. «الناس كلهم أحرار، كلهم سواء تماماً كأَسنان المشط».

۱۴۰۸ق، ص ۳۹). همچنین در جای دیگر امام علی(ع) تصریح می‌نماید: «از حضرت آدم(ع) غلام و کنیزی زاده نشده است، بلکه انسان‌ها همه آزاد خلق شده‌اند» (نهج البلاغه، خطبه ۳۷)^۱ و اگر در برهه‌ای از زمان طوق بندگی برگردن برخی بیفتند، سرانجام باید آزاد شوند و به اصل خود باز گردند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹ج)، ص ۳۹۳. در تفسیر و شرح این دو سخن، در یکی از برجسته‌ترین شرح‌های نهج البلاغه از شیخ محمد جواد مغنیه^۲ بیان شده است: «این دو سخن نمایانگر ذات و جوهر اسلام است و خداوند هرگز انسان سیاه‌پوست را نیافریده که در بند برادر سفید پوستش باشد، لکن انسان‌ها در مرحله‌ای از مراحل تاریخ که دسترسی به ابزار کار و تکنولوژی نبود و هیچ راهی برای دستیابی به ثروت جز بردگی گرفتن سایر انسان‌ها وجود نداشت، بین خود بر ایجاد بردگی تبنی کردند و به این دلیل، هیچ فیلسوف و مصلحی آن را انکار نکرده بود؛ و زمانی که اسلام آمد هیچ راهی برای الغای آن نیافت. پس به‌منظور اصلاح کردنش خود را نسبت به آن مقید نمود، و همانطور که در کتب فقهیه و احادیث آمده، راه را برای آزادی بردگان باز کرد و زمانی که علوم پیشرفت نمود و متعاقباً بشر به تکنولوژی دست یافت و زندگی بدون بردگی استوار شد؛ و انسان‌ها آن را از اساس ملغا نمودند، اسلام نیز به این الغا اقرار کرد و آن را مبارک دانست، این امر بدون شک واقع شده است»^۳ (مغنیه، ۱۹۹۹م، ص ۲۴۱-۲۴۲). درحقیقت، اسلام بردگان را در شمار اجتماع بشری آورد و کلیه امتیازاتی که از نظر ظاهر در میان بشر بود، به جز تقوا ملغا نمود؛ همچنین دستورات فراوانی برای رفق و مدارا با بردگان صادر کرد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۳۸الف)، ص ۲۹۳. از جمله این موارد حدیثی است از پیامبر اکرم (ص) که می‌فرماید: بندگان شما برادران شما هستند که خداوند آن‌ها را زیر دست شما قرار داده است. پس هر کسی برادر وی زیر دستش باشد، باید از غذای خود به او بخورد و از لباس خویش بر او بپوشاند و کاری که بیش از طاقت وی باشد بر او تکلیف نکند و اگر او را به کار سختی مکلف نمود، یاریش نماید^۴ (پاینده، بی‌تا، ص ۱۷۴). بنابراین در اندیشه اسلامی برده در زندگی صاحبش شریک و سهیم می‌باشد. نکته‌ی حائز اهمیت در خصوص حدیث پیش‌گفته تأکید بر این موضوع است که رسول خدا برده را «برادر» صاحبش معرفی می‌کند. همان‌طور که

۱. «إِنَّ أَدَمَ لَمْ يَلِدْ عَبْدًا وَلَا أُمَّهُ إِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أحرار» .

۲. عالم لبنانی الأصل که بیش از هفتاد جلد کتاب از او به‌یادگار مانده است. شهید صدر درباره‌ی وی می‌گوید: «شیخ محمد جواد مغنیه با دست خویش فقه جعفری را به شکلی زیبا از نظر شیوه و تعبیر و بیان درآورده است.»

۳. «فإن الإسلام يقر هذا الإلغاء و يباركه، ما في ذلك ريب».

۴. از رسول الله (ص): إخوانكم خولكم جعلهم الله فنيه تحت أيدكم فمن كان أخوه تحت يده فليطعمه من طعامه و ليلبسه من لباسه و لا يكلفه ما يعبه فإن كلفه ما يغلبه فليعنه.

می‌دانیم در قرآن کریم مؤمنان به منزله برادران^۱ یکدیگر دانسته شده‌اند، ولی کاربرد واژه «إخوة» در این حدیث شریف نشان می‌دهد که بردگان که اغلب مسلمان نبودند، برادران صاحبان خویش محسوب می‌شدند؛ بنابراین، اسلام با این تعابیر سعی کرده دیدگاهی را که بردگان را کالا و یا هم‌ردیف حیوانات می‌دانسته است، اصلاح و رابطه مالکیت میان برده و برده‌دار را به تدریج محو کند و کرامت و شخصیت انسانی این افراد را به رسمیت بشناسد. افزون بر مواردی که بیان شد، برای احیای حیثیت و کرامت انسانی بردگان و از بین بردن تفکرات موجود، سوره‌ای از قرآن کریم به نام برده‌ای حکیم^۲ نام گرفته و خداوند متعال از وی هم‌ردیف پیامبران یاد کرده است؛ درحالی که به قول اکثریت، وی پیامبر نبوده، بلکه برده‌ای حبشی بوده است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۵). خداوند در سوره لقمان در وصف این برده سیاه‌پوست می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» این سخن دلیلی است تا بر همگان اثبات نماید که از منظر اسلام عظمت و شخصیت انسان به رنگ پوست و نژادش نیست. در اندیشه اسلامی افزون بر کرامت بخشی به بردگان که تا آن روز همچون حیوانات فاقد کرامت و شخصیت حقوقی بودند، بارها بر آزادسازی برده‌ها سفارش شده است. در آیاتی از سوره بلد آمده: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكُّ رَقَبَةٍ» که اَفْتَحَمَ الْعَقَبَةَ به معنای با سختی و دشواری گردنه را طی کردن است و فَكُّ رَقَبَةٍ امر به آزاد کردن بنده است. در این آیات شریفه آزاد کردن برده به گردنه سخت تشبیه شده، که در هر دو، مجاهده نفس لازم است. در توضیح این چنین بیان شده است که از آن نظر «عِتْق» را در اینجا «فَكُّ» گویند که آزادکننده است و میان برده و ملکیت جدایی می‌افکند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۹-۲۳). درنهایت از این آیات استفاده می‌شود که در دین مبین اسلام آزادسازی بردگان و اسیران در رأس اعمال خیر^۳ است. همچنین در این راستا ائمه معصومین (ع) خود پیشرو بودند؛ چنان که در حالات امام علی (ع) نوشته‌اند که ایشان هزار غلام را از دسترنج خود آزاد نموده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ب)، ص ۱۱). اصولاً یکی از اهداف حکومت اسلامی نجات بردگان و مستضعفان عالم است. برنامه‌ای

۱. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰).

۲. به دلیل محدودیت‌هایی که اسلام بر نظام بردگی آن روز ایجاد کرده بود، اغلب بردگان از غیرمسلمانانی بودند که در جنگ اسیر می‌شدند. از این رو، غیر از مؤمنان که خداوند رابطه برادری را مابین ایشان استوار نمود، این رابطه میان فرد مسلمان و برده کافر نیز برقرار می‌شد. به این طریق خداوند کرامت انسانی را به بردگان بازگرداند و زمینه را برای پذیرش ایشان به‌عنوان یک «شخص» در جامعه اسلامی هموار نمود.

۳. لقمان.

۴. از این رو، ائمه معصومین بارها هنگامی که در خصوص ثواب عظیم کار خیر نمونه‌ای بیان می‌کردند، می‌فرمودند ثوابش به اندازه آزادسازی برده است.

که اسلام برای آزادی بردگان در نظر گرفته، متین و مؤثر است که از هر گونه عکس‌العملی محفوظ است. در واقع، اسلام افزون بر فرهنگ‌سازی در خصوص آزاد کردن بردگان، برنامه گسترده‌ای تنظیم کرده است که طبق آن وسیله آزادی تدریجی برده‌های موجود و در نتیجه، آزادی نسل آینده و فرزندان آن‌ها به خوبی فراهم می‌شود؛ بدون اینکه عکس‌العمل ناگواری از سوی جامعه به دنبال داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ (ب)، ص ۱۱ و ۱۳). از جمله این برنامه‌ها دو نوع قرارداد به نام تدبیر^۱ و مکاتبه^۲ است که در احکام اسلامی برای آزادسازی مشروط بردگان تعبیه شده است و حتی احکام اسلامی در برخی مواقع آزادی بردگان را واجب^۳ نموده است که به‌عنوان نمونه می‌توان به احکام کفارات^۴، نذر، عهد، قسم و سهم آزادسازی بردگان از زکات^۵ اشاره کرد. افزون بر این، در کتاب وسائل بابی است که از آن استنباط می‌شود که برده با ایمان پس از ۷ سال خدمت خود به خود آزاد می‌شود؛ چه صاحبش او را آزاد کند چه

۱. وَ التَّدْبِيرُ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ لِعَبْدِهِ أَوْ لِأَمْتِهِ أَنْتَ مُدَبَّرٌ فِي حَيَاتِي وَ خَرُّ بَعْدَ مَوْتِي عَلَى سَبِيلِ الْعِتْقِ لَأُيْرِدَ بِذَلِكَ تَدْبِيرَ أَيْنَ اسْتِغْنَى بَرْدَةٌ بِغَلَامٍ أَوْ كُنَيْزٍ خُودِ شَرْطِ نَمَائِدِ كَهْ أَوْ رَا مَشْرُوطٌ بِهْ وَفَاتِ خُودِ أَرَادِ مِی كُنْدِ وَ پَسِ از مَرگِ أَوْ بِلَا فَاصِلَهْ أَرَادِ مِی شُودِ (منسوب به علی بن موسی (ع)، ۱۴۰۶ ق، ص ۳۰۵).

۲. «وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ؛ بردگانی از شما که تقاضای مکاتبه (قرارداد مخصوص آزاد شدن) را دارند با آنها قرارداد ببندید، اگر رشد و صلاح در آنها احساس می‌کنید (و بعد از آزادی توانایی زندگی مستقل را دارند)» (النور: ۳۳). معنای مکاتبه این است که صاحب برده، وی را مشروط به پرداختن مبلغی که معمولاً از قیمت او کمتر یا مساوی خواهد بود، آزاد می‌نماید و اگر برده از پرداخت مبلغ مزبور عاجز شود، باید حاکم اسلام او را از بیت‌المال و سهم زکات (و فی الرقاب) آزاد نماید. امام رضا (ع) در این خصوص می‌فرماید: «وَالْمُكَاتَبُ حُكْمُهُ فِي الرَّقِّ وَالْمُؤَارِيثُ حُكْمُ الرَّقِّ إِلَى أَنْ يُؤَدِّيَ النِّصْفَ مِنْ مَكَاتِبَتِهِ فَإِذَا أَدَّى النِّصْفَ صَارَ حُكْمُهُ حُكْمَ الْحُرِّ لِأَنَّ الْحُرِّيَّةَ إِذَا صَارَتْ وَالْعُبُودِيَّةَ سَوَاءً غَلَبَتِ الْحُرِّيَّةَ عَلَى الْعُبُودِيَّةِ... هرگاه نصف مبلغ مکاتبه را پرداخت حکم او حکم انسان آزاد است چراکه اصل بر آزادی است و زمانی که در خصوص انسانی ادله حریت و عبودیت برابر باشد، حریت بر عبودیت غلبه دارد و برای مابقی مبلغ مکاتبه هم پس از آن باید مبلغ را پرداخت نماید. لذا به دلیل پرداخت نصف مبلغ حکم آزادی بر او بار شده و حتی اگر پس از آن توان ادای باقیمانده مبلغ را ندارد، خرید و فروش وی حرام است و حکم او حکم انسان آزاد می‌باشد» (منسوب به علی بن موسی (ع)، ۱۴۰۶ ق، ص ۳۰۶).

۳. در موارد وجوب آزادسازی بردگان در کفارات، موارد ذکر شده این‌گونه هستند که فرد مکلف از بین چند مورد یکی را انتخاب می‌کند. از این نظر پس از لغو برده‌داری این امر خللی به احکام وارد نکرد، چراکه این کفارات به‌گونه‌ای تنظیم شده است که در فرض منسوخ شدن برده‌داری خللی به آن وارد نشود. لذا این امر هم می‌تواند دلیلی بر عرضی و غیرذاتی بودن بردگی در اسلام باشد.

۴. نظیر روزه‌خواری عمدی هر روز از ماه رمضان، قتل غیر عمد، قتل عمد و ایلا.

۵. «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَى لَهُ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَ...» (التوبه: ۶۰). با عنایت به این آیه درمی‌یابیم که سهمی از زکات بنام «و فی الرقاب» برای آزادی بردگان در سراسر دنیا است.

نکند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ (ب)، ص ۱۱) و نیز در خصوص خرید و فروش انسان از حضرت رسول اکرم (ص) روایت شده است: جبرئیل (ع) نزد من آمد و گفت ای محمد برآستی که شریترین و بدترین مردم از امت تو کسانی هستند که انسان را خرید و فروش می‌کنند.^۱ از این قسم آیات، روایات و احکام که نشان از حذف تدریجی مسئله بردگی در اسلام دارد، بسیار است که به دلیل اطالۀ کلام از بیان آن‌ها خودداری می‌کنیم.

در ادامه، برای تبیین این مسئله لازم است به بحث به‌بردگی گرفتن اسرای جنگی اشاره شود. در این خصوص میان فقهای شیعه اختلاف نظر وجود دارد. برخی بر این باورند که راه ازدیاد بردگان در جامعه اسلامی، به‌بردگی گرفتن اسرای جنگی‌ای بوده است که در جنگ‌های مسلمانان با غیرمسلمانان از سوی سپاه اسلام اسیر می‌شدند. این گروه از علما معتقدند که در خصوص اسرای جنگی در عمل سه شیوه وجود داشته است: یکی آزاد کردن بدون عوض، دیگری آزادکردن در قبال اخذ فدیة یا معاوضه با اسرای مسلمان، و سومین راه به‌بردگی گرفتن؛ لذا تنها به‌عنوان یکی از سه حکمی که در خصوص اسرای جنگی وجود دارد، بحث استتراق (به‌بردگی گرفتن اسرا)^۲ به‌جا مانده است. در این خصوص یکی از مراجع بزرگ تشیع این‌چنین بیان نموده است: حکم استتراق یک حکم الزامی نیست و کاملاً منعطف است و در صورتی که مقتضی باشد، به‌کلی می‌توان از آن چشم پوشید (مکارم شیرازی، ۱۳۳۸ (الف)، ص ۳۰۲) و اگر با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی ضرورتی احساس نشود و زبان داشته باشد (همانند زمان ما)، به‌طور الزام باید از آن صرف نظر کرد و یکی از دو حکم دیگر که اقرب به صلاح است، اجرا شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ (ب)، ص ۱۵). در این زمینه پندار دیگری وجود دارد که برداشتی متفاوت با دیگر فقهاست. برای نمونه، آیت‌الله محقق داماد در این خصوص نظرشان این است که به‌بردگی گرفتن اسیران جنگی در اسلام مجاز نبوده است. ایشان برای تبیین مسئله به آیه ۸ سوره انفال^۳ و آیه ۴ سوره محمد (ص)^۴ استناد نموده، در تحلیل آن بیان می‌دارند: پس از پایان

۱. «فَإِنَّ أَتَانِي جِبْرِيلُ ع فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ شَرَّ أُمَّتِكَ الَّذِينَ يَبِيعُونَ النَّاسَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۹).
۲. تاریخ انسانیت هیچ محاربی را چون پیامبر اکرم (ص) به خود ندیده است که با اسیران جبهه مقابل رفیق باشد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: استوصوا بالاساری خیرا، یعنی با اسیران خوش‌رفتاری کنید (أبی‌زهرة، ۱۴۲۵ق، ص ۵۲۳) این درحالی است که صدها سال بعد در جنگ جهانی دوم بسیاری از اسیران جنگی از سوء تغذیه، کمبود آب، یا سرما کشته شدند.
۳. «مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُخْرَجَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ غَزِيرٌ حَكِيمٌ» (هیچ پیامبری را شایسته نیست که برایش اسیرانی باشد تا زمانی که دینش در زمین استقرار یابد، شما سود مادی دنیا را می‌طلبید، ولی خدا آخرت را می‌خواهد و خداوند مقتدر و درست‌کردار است).
۴. «إِذَا الْقِيَمَةُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضْرَبَ الرَّقَابَ حَتَّى إِذَا أَثْنَتُمُوهُمْ فَشَدُّوا الْوَتَاقَ فَإِنَّا مَنَّا بَعْدُ وَإِنَّا فِدَاءٌ حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا» (چون با کافران روبه‌رو شدید [مهلت ندهید] گردن‌ها را بزنید، تا چون آن‌ها را از پای درآوردید،

جنگ، اسیران در اختیار دولت خواهند بود، نه در اختیار اشخاص. آنان باید محکم بسته و شمارش شوند و در جایگاهی مطمئن قرار گیرند که از هرگونه تعرض مصون بمانند. سرانجام یکی از دو راه برای آنان باید انتخاب شود: یکی آزادی بزرگوارانه و دیگری آزادی به شرط پرداخت «فدیه»^۱. از این رو، پس از پایان جنگ، اولاً کشتن اسیر مطلقاً ممنوع است، ثانیاً برده‌سازی اسرا در هیچ زمان مجاز نیست و چون تنها منبع برده‌سازی خشونت و جنگ بوده، به موجب این حکم برده‌سازی مطلقاً ممنوع اعلام شده است. این برداشت با سنت عملی رسول الله (ص) کاملاً منطبق است. چون هیچ سند تاریخی متقنی وجود ندارد که پیامبر اسلام اسیر جنگی را برده کرده باشد. چنانچه چنین عملی برای ایشان مجاز بود، لاقلاً یک‌بار در یک مورد و یا با یک اسیر انجام می‌گرفت. ایشان برای اثبات تفسیر خویش از آیه مبارکه به سنت نبی اکرم (ص) در جنگ بدر، فتح مکه، جنگ حنین و جنگ خیبر اشاره می‌نمایند (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص ۷۲۹-۷۲۰). با عنایت به مطالب پیش گفته، علمای بزرگی چون شیخ مغنیه و آیت‌الله محقق داماد معتقدند که بردگی در اسلام به صورت کامل لغو شده است. از این رو، هم‌راستا با پندار ایشان، نگارندگان نیز بر این باورند که اگرچه نقش مهم برده‌داری در اقتصاد قرن هفتم میلادی و شرایط فرهنگی و اجتماعی آن روزگار موجب شد تا حذف کامل برده‌داری در آن زمان میسر نشود، ولی در اندیشه اسلامی هیچ دلیل متقنی وجود ندارد که شارع مقدس بخواهد برخلاف نظر جامعه بین‌المللی که قاعده منع بردگی را در بالاترین سطح از قواعد بین‌المللی بشری پذیرفته است، بر سنتی که در ابتدا خود اقدام به تحدید و لغو تدریجی آن نموده بود، پافشاری نماید^۲. در واقع، لغو نشدن صریح برده‌داری از سوی اسلام نوظهور به دلیل

بندهای اسیران را محکم کنید، آنگاه یکی از دو کار را با آنان انجام دهید یا به منت [آزادشان کنید] یا به فدیة، تا جنگ باره‌ایش را فرو نهد).

۱. معوّض و مابازاء که می‌تواند مال و یا تعهد به فعل و یا ترک فعل و یا مبادله اسیر خودی باشد.
 ۲. در توضیح این سخن، استفتائاتی که برای نمونه از چند تن از علمای تشیع اخذ شده است، ارائه می‌شود.
- پرسش‌های مطرح‌شده: آیا می‌توان به این امر قائل بود که با برنامه‌ای که اسلام برای تحدید و درنهایت لغو برده‌داری مقرر کرده بود، برده‌داری در اسلام نیز همانند آنچه در جامعه بین‌المللی (حداقل در تئوری) رخ داده، اتفاق افتاده است و یا شاید بسیار زودتر از اعلام لغو برده‌داری در عرف بین‌المللی و کنوانسیون‌های جهانی لغو شده است؟ آیا می‌توان از تخییری بودن احکامی که آزادی برده در آن به‌عنوان کفاره در نظر گرفته شده است، برداشت نمود که بنای شارع مقدس بر محدودیت و لغو برده‌داری بوده که در این کفارات جایگزینی برای آزادی برده در نظر گرفته شده است؟ آیا اسلام طرح و برنامه دقیق و زمان‌بندی شده برای آزادی بردگان و لغو برده‌داری داشته است که به این وسیله همه آن‌ها تدریجاً آزاد شوند، بی‌آنکه این آزادی عکس‌العمل نامطلوبی در جامعه به‌وجود آورد؟ نظر صریح حضرت آیت‌الله در این خصوص چیست؟
- پاسخ حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی: اسلام طرح و برنامه دقیق و زمان‌بندی شده برای آزادی بردگان

عرف‌ها و هنجارهای ناگسستنی جامعه جهانی در قرن هفتم میلادی است که الغای یکباره این امر را ممکن نمی‌ساخت. از این رو، اسلام عزیز برای دستیابی به اصول اساسی مد نظر خویش، چون اصل خلقت برابر و آزاد تمامی انسان‌ها، برده‌داری را به قیودی محدود و مقید نموده و در صدد لغو تدریجی آن برآمده است. شایان ذکر اینکه قرن‌ها پس از بعثت پیامبر اسلام (ص) برده‌داری همچنان در بین جوامع بشری به شدت شیوع داشت؛ به گونه‌ای که تنها از قاره آفریقا در سال‌های ۱۶۵۰ تا ۱۸۰۰ نزدیک به ۱۲ میلیون انسان برای بردگی ربوده شدند. در این دوران، تجارت برده به عنوان فعالیتی مشروع و حتی یک امر دولتی تلقی می‌شد و شناسایی آن به مثابه یک جرم بین‌المللی دشوار بوده است (کک دین، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴۵). برای نمونه در قضیه معروف در د اسکات علیه استنفورد^۲ که در دیوان عالی ایالات متحده آمریکا^۱ مطرح شد، قاضی

دارد که بالمآل همه آن‌ها تدریجاً آزاد می‌شوند، بی‌آنکه این آزادی عکس‌العمل نامطلوبی در جامعه به وجود آورد.

پاسخ حضرت آیت‌الله علوی گرگانی: بسمه تعالی

الف) بردگی از ابتدا در اسلام امضا نشده است و نحوه برخورد اسلام با موضوع بردگی و تشویق مردم به آزاد کردن بردگان مؤید این موضوع است.

ب) در اسلام موضوع بردگی به صورتی که در گذشته و حال در برخی کشورها موجود است، ممنوع است و کسی حق ندارد آزادی دیگری را محدود کند. البته در زمان حضور حضرت مهدی علیه‌السلام کسانی که عمداً و عالماً به مقابله با امام زمان (ع) و جنگ مسلحانه پردازند حکم آنها اعدام خواهد بود چرا که در مقابل دستور الهی صف‌آرایی کرده‌اند و امام معصوم هم حکم خود را مستقیماً بر اساس دستورات الهی دریافت می‌کند و لذا چه بسا امام علیه‌السلام حق حیات را به آنها داده و در مقابل آنها را به اسارت و بردگی بگیرند و در مقابل نیز در صورت اسلام آوردن و یا انجام برخی خدمات حکم به آزادی آنها کند و این موضوع غیراز اثبات حکم بردگی در اسلام به عنوان یک اصل است.



پاسخ حضرت آیت‌الله حسین مظاهری: بسمه تعالی

از تحقیقی که کرده‌اید تشکر می‌کنم و امیدوارم موفق باشید. حسین المظاهری

پاسخ حضرت آیت‌الله محقق کابلی: با سلام و تشکر از مکاتبه شما واحد تحقیقات به سؤال شما به صورت زیر پاسخ گفته است: بسمه تعالی در فرض سوال همان‌طوری که نوشته‌اید دین مقدس اسلام آمد تا قید و بند عبودیت غیراز خداوند را از مردم بردارد، اما اینکه بعضی‌ها در حال حاضر عمل به این دستور نجات‌بخش نمی‌کند مربوط به خود آن‌ها است. همیشه در پناه خداوند مؤید باشید.

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. الکس هایللی، ریشه‌ها (Alex Haley, Roots)، ترجمه محمدتقی کرباسی و حسن مروی، نشر جاویدان، ۱۳۶۱.

2. Dred Scott v. Sanford, Judgment in the U.S. Supreme Court, decision in 1857.

پرونده، راجرتانی، در خصوص برده‌ای سیاه‌پوست به نام درد اسکات^۲ اعلام کرد که وی حق نداشت این دعوا را مطرح کند، زیرا امریکایی‌های افریقایی تبار برابر قانون اساسی امریکا از حقوق شهروندی محروم هستند و نسبت به افراد سفیدپوست به‌عنوان نژادی پست شناسایی شده و سزاوار احترام سفیدپوستان نیستند (Johnson, 2011, p.65-68). در این پرونده قاضی در بیان وضعیت بردگان اظهارداشت: «یک برده هیچ شخصیت حقوقی‌ای ندارد» (Rita, 2009, p.67). بر اساس این رأی مسلم است که نپذیرفتن حق بشری و شناسایی شخصیت حقوقی^۴ در خصوص بردگان در آن روز یک امر مسلم و قانونی بوده است. این نگرش تا میانه قرن نوزدهم میلادی ادامه داشت و برده‌داری عملی مجاز و پدیده‌ای کاملاً پذیرفته شمرده می‌شد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸ (ب)، ص ۱۱۳)، ولی پس از این دوران در پی تحولات اجتماعی، به یک خطای اخلاقی و سپس به یک جرم بین‌المللی تغییر ماهیت داد (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۷ (الف)، ص ۴۷).

پس از تقدیم پیشینه‌ای موجز از سابقه برده‌داری، در این بخش از سخن، توضیحاتی در خصوص مفهوم بردگی سنتی در حوزه حقوقی ارائه می‌شود. از این منظر، «برده» فردی است فاقد شخصیت حقوقی^۵ که به‌سان □ اشیای تحت مالکیت صاحب خویش است. درحالی که

1. The U.S. Supreme Court

۲. درد اسکات در ۱۸۰۰م متولد شد و از همان آغاز چون پدر و مادرش برده بودند، برده محسوب می‌شد. وی برده‌ای بود که به‌دنبال آزادی می‌گشت. او برای مدت زمان قابل‌توجهی همراه اربابش در ایالت ایلینوی (Illinois) زندگی می‌کرد که در آن برده‌داری ممنوع بود. هنگامی که به میسوری (Missouri) بازگشت، درد اسکات با این استدلال که مدتی در ایالتی که در آن برده‌داری ممنوع بوده، اقامت کرده، پس فرد آزادی است، شکایت کرد و درخواست آزادی نمود.

3. a slave has no juridical personality”.

4. "Right to recognition of the Legal Personality" یا "Right to recognition of juridical personality"

موضوع ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر که اشعار می‌دارد: «هرکس حق دارد تا همه‌جا در برابر قانون به‌عنوان یک شخص شناسایی شود». حق مزبور در ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۳ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، ماده ۵ منشور افریقایی حقوق بشر و مردم نیز ذکر شده است. در ابتدا حق فرد به شناسایی شخصیت حقوقی در برابر اشکال مدرن برده‌داری وضع گردید و مفهوم محوری حقوق بشر است که اغلب به‌عنوان نتیجه‌ای مستقیم از حق کرامت انسانی توصیف می‌شود. این حق، صلاحیت و ظرفیت هرانسان را برای دارا شدن حقوق و تعهدات حقوقی بیان می‌کند.

(Human Rights Council, 2012, para 42, Preamble. & Morsink, 2011, p. 44)

۵. بردگان به‌عنوان یک شخص در مقابل قانون شناسایی نمی‌شدند؛ لذا بردگی مسلماً حق افراد را به داشتن شخصیت حقوقی نقض خواهد کرد (Galchinsky, 2011, p.14). ر.ک. به ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر.

روابط میان او و صاحبش تابع قواعد ملکیت بوده و عمدتاً به کار اجباری واداشته می‌شده یا به شیوه‌های مختلف مورد سوء استفاده و بهره‌کشی قرار می‌گرفته است. اصولاً «برده» در برده‌داری سنتی کالایی قابل خرید و فروش بوده و از این جهت از آن با نام برده‌داری به‌عنوان اموال شخصی یا برده‌داری اموال^۱ یاد شده است (Allain, 2008(B), p.269). برده‌داری به‌طور قابل ملاحظه‌ای آزادی رفت و آمد و بسیاری از آزادی‌های اساسی دیگر و توانایی تصمیم‌گیری برده را محدود می‌کرد. در این مفهوم جایگاه برده تنها در رابطه با برده‌دار که کنترل کامل اعمال وی را در دست داشت، معنا می‌یافت. لذا برده کنترلی بر خود نداشت و استقلال خود را کاملاً از دست می‌داد. در نتیجه به‌طور مؤثر آینده فرهنگی، اجتماعی و شخصی او تحت تأثیر قرار می‌گرفت. در این نوع از برده‌داری، برده رضایتی از این رابطه ندارد و دستمزدی هم به وی پرداخت نمی‌شود (Bales, 2005, p.53-55). در پی محرومیت بردگان از حقوق انسانی اولیه خویش، به تدریج در سال‌های اولیه قرن نوزدهم روندی جهانی به‌منظور لغو برده‌داری آغاز شد و تلاش‌های صورت گرفته در این خصوص سرانجام در میانه قرن بیستم به الغای رسمی و قانونی برده‌داری انجامید^۲. در سال ۱۹۲۶م با تصویب کنوانسیون برده‌داری که زیر نظر جامعه ملل^۳ تدوین شده بود، ممنوعیت برده‌داری و تجارت برده به‌صورت رسمی در سطح جهانی پذیرفته و اعلام شد (Henner, 2009, p.146) و بسیاری از دولت‌ها^۴ با پیوستن به این معاهده بر این امر صحنه گذاشتند. پس از الغای بردگی، این امر پذیرفته شد که هر انسان یک فرد طبیعی است که شخصیت حقوقی او در وجود خودش آشکار و مشهود است؛ از این رو جامعه بین‌المللی پذیرفت که «شخصیت حقوقی»^۵، یک مشخصه الزامی^۶ برای بشر است؛ چراکه قبل از آن، داشتن وضعیت بردگی برای انسان امری امکان‌پذیر بود (Esmeir, 2012, p.74). در واقع در دوران پس از برده‌داری، افراد بشر به‌عنوان یک شخصیت حقوقی به رسمیت شناخته شدند. در نتیجه، برده‌داری یا از دست دادن وضعیت انسانی، دیگر پذیرفتنی نبود (Esmeir, 2012).

1. Chattel Slavery

۲. برده‌داری در بیشتر کشورها طی این سال‌ها ممنوع شد. برای مثال، انگلستان در سال ۱۸۴۰م، رومانی در سال ۱۸۵۵م، آرژانتین در سال ۱۸۵۳م و عراق در سال ۱۹۲۴م، ایران و اردن در سال ۱۹۲۹م، بحرین در سال ۱۹۳۷م، اتیوپی در سال ۱۹۴۲م.

Ratification information is available at: <http://en.wikipedia.org/wiki/Abolitionism>, and, http://en.wikipedia.org/wiki/League_of_Nations#cite_ref-66

3. League of Nations

۴. ۹۹ کشور این معاهده را پذیرفته‌اند.

Ratification information is available at: http://en.wikipedia.org/wiki/1926_Slavery_Convention.

۵. به معنای صلاحیت هر فرد برای دارا شدن حقوق و تکالیف (Johanne, 2011, p.44)

6. Obligatory characteristic⁵

(p.74 به همین علت است که در تعریف، «برده» به‌عنوان یک فرد بدون «شخصیت حقوقی» معرفی شده است (Harrill, 1998, p.14)

برده‌داری مدرن

با وجود گذشت سال‌های بسیار از الغای نظام برده‌داری، امروزه برده‌داری در قالب قاچاق انسان و کار اجباری^۱ نمود و بروز یافته است. در واقع، آنچه با عنوان قاچاق انسان در سراسر جهان شایع شده و به‌ویژه در خصوص زنان و کودکان اعمال می‌شود، «شکل معاصر برده‌داری» است. (Gupta, 2011, p.7) در قاچاق انسان، افراد به‌عنوان کالا خرید و فروش شده، به کار اجباری (Forced labour) واداشته می‌شوند، موضوع تجارت جنسی^۲ قرار می‌گیرند، مراقبت شدید بر فعالیت‌های آنان سایه می‌افکند و این درحالی است که خشونت و تهدید علیه ایشان اعمال می‌شود و زندگی و کار این قربانیان در شرایط نامناسبی ادامه می‌یابد. از این منظر است که در گزارش‌های توضیحی ضمیمه کنوانسیون شورای اروپا در خصوص مبارزه با قاچاق انسان^۳ از این عمل به‌عنوان «نوع مدرنی از تجارت سنتی برده در سراسر جهان»^۴ یاد شده است (Council of Europe, 2013, p.33). بر این اساس، قاچاق انسان هر نوع بهره‌برداری و سوء استفاده از افراد انسانی را شامل می‌شود که فرد را از حیطة حمایت و شناسایی قانون خارج نموده، با تخریب شخصیت حقوقی وی، او را مجبور به تن‌فروشی یا بهره‌کشی جنسی^۵ و یا کار اجباری نماید و گاه اعضای وی را به فروش برساند. در این چارچوب، انسان‌ها همچون کالایی شمرده می‌شوند که فاقد موضوعیت حقوقی بوده، به‌عبارتی بردگانی بیش نیستند. تحولات معاصر در زمینه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری^۶ نیز نشان‌دهنده این مطلب است که شرایط کنونی قاچاق انسان از نظر قانونی معادل شرایط برده‌داری است (Sadat, 2008, p.420) و قاچاقچیان با اعمال تهدیدهای وحشت‌برانگیز و خشونت جنسی یا کار اجباری تحت شرایطی نظیر آنچه در برده‌داری انجام می‌شده است (Gupta, 2011, p.7)، شخصیت حقوقی و کرامت انسانی قربانیان خویش را نادیده می‌انگارند.

۱. هر گونه بهره‌کشی از کار یا خدمت و منفعت اشخاص که با تهدید به مجازات در صورت سرپیچی همراه باشد و شخص مزبور به‌طور ارادی انجام آن کار یا ارائه آن خدمت را نپذیرفته باشد.

2. Sex Industry

3. Council of Europe Convention on Action against Trafficking in Human Beings, 2005.

4. The modern form of the old worldwide slave trade.

5. Sexual exploitation

۶. یکی از مهم‌ترین این تحولات، تصمیم دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY) است که اتهام بردگی را به‌عنوان یک جنایت علیه بشریت معرفی کرده است.

در ادامه لازم است برای تبیین مسئله به تعریف «قاچاق انسان» که از سوی «پروتکل پیشگیری، منع و مجازات قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان» به‌صورت جامعی ارائه شده است، اشاره نماییم. در ماده ۳ این پروتکل که ضمیمه کنوانسیون ملل متحد علیه جنایت سازمان‌یافته فراملی است، قاچاق انسان به معنای جلب افراد، انتقال، حمل و نقل، پناه دادن یا تحویل گرفتن افراد، با استفاده از تهدید، زور و یا دیگر اشکال اجبار، آدم‌ربایی، کلاهبرداری، فریب، سوء استفاده از قدرت و یا موقعیت آسیب‌پذیر آن‌ها و یا دادن یا گرفتن پول یا منافع برای دستیابی به رضایت فردی که بر شخص دیگر کنترل دارد به‌منظور بهره‌کشی و استثمار^۱ افراد بیان شده است (Protocol to prevent, suppress and punish trafficking in persons, especially women and children, 2000, Art. 3(a)).

درمی‌یابیم که آنچه با عنوان برده‌داری سنتی تعریف شده، در عصر حاضر برای دربر گرفتن اشکال مختلف برده‌داری که قاچاق انسان از نمونه‌های بارز آن است، توسعه و تکامل یافته است. به‌طور کلی در تعریف برده‌داری مدرن به‌اختصار می‌توان گفت که این‌گونه بردگی در نتیجه اعمالی صورت می‌گیرد که با اعمال هر یک یا همه قدرت‌های مرتبط با حق مالکیت، شخصیت حقوقی قربانی را از بین می‌برد^۲ (Prosecutor v. Kunarac, 2002, para. 117, footnote 145).

بیان حاضر، مصادیق گسترده‌تری از برده‌داری سنتی را در خود جای می‌دهد و شامل عوامل و عناصری است که نشان‌دهنده اعمال «قدرت‌های متصل به حق مالکیت» می‌باشد. برخی از این عوامل عبارت‌اند از: تخریب جزئی یا کلی شخصیت حقوقی قربانی^۳؛ محدودیت یا کنترل استقلال فرد، آزادی انتخاب و یا آزادی حرکت وی^۴؛ کنترل مسائل مربوط به فعالیت جنسی فرد^۵؛ کنترل روانی یا ظلم و ستم نسبت به فرد^۶؛ جلوگیری از فرار او^۷؛ تهدید یا استفاده از زور و یا دیگر اشکال اجبار^۸؛ استفاده از خشونت یا تهدید به آن^۹؛ تحمیل کار اجباری و بهره‌کشی جنسی^{۱۰} (Allain, 2009, p.5). در این خصوص، شعبه تجدیدنظر دیوان یوگسلاوی نیز برای

1. Exploitation

2. The destruction of the victim's juridical personality is the result of the exercise of any of the powers attaching to the right of ownership.
3. The partial or total destruction of the juridical personality of the victim.
4. Some restriction or control of an individual's autonomy, freedom of choice or freedom of movement
5. The control of matters relating to an individual's sexual activity.
6. The psychological control or oppression of an individual.
7. The measures taken to prevent or deter a person from escape.
8. The threat or use of force or other forms of coercion.
9. The use of, or the fear of the use of, violence including, for example, the cruel treatment or abuse of an individual.
10. The exaction of forced or compulsory labour or service, often without remuneration and often, though not necessarily, involving physical hardship, sex, prostitution and human

این نوع برده‌داری، عناصر و عواملی را برشمرده که شامل کنترل بر حرکات و جابه‌جایی یک شخص، کنترل محیط فیزیکی و روانی، انجام اقداماتی برای پیشگیری یا جلوگیری از فرار، زور و یا تهدید به زور می‌باشد که در یک دوره زمانی انجام شده، فرد را موضوع رفتار بی‌رحمانه و سوء استفاده قرار دهد، تمایلات جنسی وی را کنترل، و وی را مجبور به کار اجباری نماید. (Prosecutor v. Kunarac, 2002, para. 119). این اعمال که عمدتاً عوایدی را برای مرتکب به همراه دارد، با سوء استفاده از موقعیت آسیب‌پذیر قربانی به وقوع می‌پیوندد؛ لذا عمدتاً قربانیان این اعمال، زنان و کودکان هستند. بدین‌سان در بیشتر موارد در برده‌داری معاصر، قربانی موضوع اعمال افراطی حقوق مالکیت مرتبط با «برده‌داری اموال» نیست، لکن در تمامی موارد به‌عنوان نتیجه‌ای از اعمال هریک یا همه قدرت‌های متصل به حق مالکیت، بخشی از شخصیت حقوقی وی تخریب می‌شود. اگرچه تخریب در برده‌داری اموال بیشتر است، ولی تفاوت آن‌ها اندک است (Prosecutor v. Kunarac, 2002, para. 117).^۱ این تمایز اندک بیشتر در انگیزه و هدف برده‌داری سنتی^۲ با قاچاق انسان به‌عنوان برده‌داری مدرن جلوه‌گر شده است؛ چراکه روشن‌ترین تمایز میان برده‌داری و قاچاق انسان بین مالکیت و کنترل^۳، نفوذ ناروا^۴ و بهره‌کشی ترسیم شده است. از این رو، قربانی قاچاق انسان ممکن است تحت مالکیت صاحبش نباشد؛ هرچند که او به روش‌های مختلف از جمله از طریق اجبار فیزیکی و روانی، فریب یا تهدید^۵ کنترل قربانی را در دست دارد. (United Nations Office on Drugs and Crime, 2010, p.20).

بنابراین ماهیت عنصر غیرقانونی که در کنوانسیون ۱۹۴۶م به‌عنوان «اعمال قدرت‌های مرتبط با حق مالکیت» بیان شده بود، در «انسان به بهره‌کشی، سوء استفاده از موقعیت آسیب‌پذیر قربانی و سایر اشکال کنترل» تغییر یافت. این امر در بند (a) ماده ۳ پروتکل سازمان ملل متحد نیز پذیرفته شده است. در این بخش از ماده ۳، بهره‌کشی به‌عنوان هدف و غرض از جنایت قاچاق انسان معرفی شده است. ماده یادشده در این خصوص تصریح می‌کند که بهره‌کشی و

trafficking.

1. In the case of these various contemporary forms of slavery, the victim is not subject to the exercise of the more extreme rights of ownership associated with 'chattel slavery', but in all cases, as a result of the exercise of any or all of the powers attaching to the right of ownership, there is some destruction of the juridical personality; the destruction is greater in the case of 'chattel slavery' but the difference is one of degree.

۲. یا همان برده‌داری اموال 'chattel slavery'

3. Ownership and control

4. Undue influence

5. Physical or psychological coercion, deception, or threats.

همان‌طور که در بند (a) ماده ۳ پروتکل پیشگیری، منع و مجازات قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان تعریف شده است.

استثمار بشر به اشکال مختلفی چون «بهره‌برداری از روسپیگری دیگران یا سایر اشکال استثمار جنسی، کار یا خدمات اجباری^۱، بردگی یا شیوه‌های مشابه بردگی، بیگاری یا برداشتن اعضای بدن^۲» انجام می‌شود. (Protocol to prevent, suppress and punish trafficking in persons, especially women and children, 2000, Art. 3(a))
 کردن انسان از دسترسی‌های قانونی، استثمار و بهره‌کشی از وی را در اعمال قدرت‌های مالکانه عملی‌سازد، در تعریف قاچاق انسان یا همان برده‌داری مدرن می‌گنجد. این امر در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز اشاره شده است که برده‌داری شامل اعمال هریک یا همه قدرت‌های متصل به حق مالکیت در جریان قاچاق اشخاص، به‌ویژه زنان و کودکان، می‌شود^۳ (Rome Statute of the International Criminal Court, 1998, Art. 7, para. 2(c)). دیگر اینکه در این باره در مقدمه کنوانسیون اروپایی در خصوص اقدام علیه قاچاق انسان مصوب کمیته وزیران شورای اروپا در سال ۲۰۰۵ مقرر شده است که قاچاق انسان می‌تواند به بردگی منجر شود^۴ (Council of Europe Convention on Action Against Trafficking in Human Beings, 2005, preamble). با توجه به نمونه‌هایی که ذکر شد، قاچاق انسان نوع مدرنی از برده‌داری و ادامه روندی است که به‌طور سنتی در خصوص به‌بردگی گرفتن افراد آغاز شده بود. درواقع، قاچاق انسان، کرامت انسانی و آزادی‌های اساسی قربانیان آن را تهدید می‌کند (Rantsev v. Cyprus and Russia, 2010, para. 282). گسترش این جنایت از جهات مختلف امنیت جامعه جهانی را تهدید کرده، حتی در مواردی که بزه‌دیده نیز رضایت دارد، با کرامت انسانی او در تعارض است (حبیب‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱). از این رو، پروتکل پیشگیری، منع و مجازات قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان، رضایت قربانی جرم قاچاق اشخاص را هنگامی که تمامی شرایط این جرم تحقق یافته باشد، در تحقق این جرم بی‌تأثیر می‌داند (Protocol to prevent, suppress and punish trafficking in persons, especially women and children, 2000, Art. 3(b)). این امر که عنصر رضایت قربانی قدرت تعیین‌کننده‌ای میان عناصر شکل‌گیری برده‌داری نوین ندارد، در برخی آرای دیوان اروپایی حقوق بشر نیز تأکید و تصریح

۱. از نتایج قاچاق انسان در بسیاری موارد بردگی کاری (a slave labor) یا خدمات غیرارادی است که طی آن فرد تحت تهدیدات گوناگون به انجام دادن وظایف و حرفه‌های بسیاری مجبور می‌شود (Rodriguez, 2011, p.36).
2. Exploitation shall include, at a minimum, the exploitation of the prostitution of others or other forms of sexual exploitation, forced labour or services, slavery or practices similar to slavery, servitude or the removal of organs.
3. Enslavement means the exercise of any or all of the powers attaching to the right of ownership over a person and includes the exercise of such power in the course of trafficking in persons, in particular women and children.
4. Trafficking in human beings may result in slavery for victims.

شده است^۱ که به دلیل جلوگیری از طولانی شدن سخن از ارائه تفصیلی و شرح این آرا صرف نظر می‌شود. افزون بر این، در تبیین مفهوم جرم قاچاق انسان باید به تمایز میان این مفهوم با مفاهیم مشابه توجه داشت. از این رو، لازم است توضیح داده شود که در قاچاق انسان، ورود به مقصد کاری ابتدایی است و پس از آن، بزه‌دیده وادار به کار اجباری، بردگی، فحشا یا اعمال مشابه آن می‌شود (کولایی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۶). با وجود این، تشخیص مفهوم «مهاجرت»^۲ از قاچاق انسان به دقت و ظرافت نیاز دارد؛ چراکه وقتی شخص در حال جابه‌جایی از مکانی به مکان دیگر است، قصد و نتیجه جابه‌جایی را نمی‌توان ترسیم کرد. پیامد این حرکت مشخص می‌کند که این جابه‌جایی یک مهاجرت امن است یا قاچاق انسان. قربانیان قاچاق انسان در نهایت در شرایط استثمار و شبیه بردگان قرار می‌گیرند؛ در حالی که برای کسانی که مهاجرت قانونی و ایمنی را تجربه می‌کنند، سرانجام فرصت بهتری فراهم می‌شود؛ چراکه دولت‌ها عمدتاً برای مهاجرت ایمن پاسخگو هستند، بنابراین مهاجرت ارادی منجر به قاچاق انسان نمی‌شود (Gupta, 2011, p.7). همچنین این مفهوم با آنچه در خصوص «قاچاق مهاجران»^۳ وجود دارد، متفاوت است. از آنجا که در مهاجرت غیرقانونی، فرد یا افرادی که تبعه دولتی نیستند به صورت غیرقانونی و بدون اجازه رسمی وارد سرزمین آن دولت می‌شوند. مهاجرت غیرقانونی ممکن است به قاچاق انسان بینجامد، ولی جرم مهاجرت غیرقانونی را به این لحاظ که جرمی علیه دولت است و در ارتکاب آن قصدی برای بهره‌کشی از فرد وجود ندارد، نباید با قاچاق انسان خلط نمود^۴. امروزه در عمل واقعیات بسیار تلخی در خصوص قاچاق انسان در سطح جهان رخ می‌دهد. در این باره گفتنی است، اگرچه در دهه ۱۹۹۰م قاچاق مواد مخدر و اسلحه سودآورترین معاملات بین‌المللی شمرده می‌شد، ولی امروزه قاچاق انسان به تجارتی پرسود تبدیل شده که سودآورتر از دیگر جرائم فراملی است؛ چراکه برخلاف مواد مخدر و سلاح که یک‌بار و تنها به یک مشتری فروخته می‌شوند، در قاچاق انسان می‌توان افراد را به مشتریان مختلف برای چندین بار و با قیمت بالا معامله کرد (Rodriguez, 2011, p.36). در اغلب موارد، خریداران که بیشتر مرد هستند، تقاضای سیرناپذیری برای خرید زنان و کودکان و به‌کارگیری آن‌ها در سالن‌های ماساژ، خدمات اسکورت، فاحشه‌خانه‌ها، پورنوگرافی و فحشای خیابانی دارند.

1. *Graziani-Weiss v. Austria*, Eur.Ct. H.R., *Application no. 31950/06*, Judgment on 18October 2011, Para.40; *Van Der Musselle v Belgium*, Eur. Ct. H.R., Application no. 8919/80, Judgment on 23November 1983, para. 36.
2. Migration
3. Smuggling of Migrants

۴. برای مطالعه بیشتر در خصوص جرم Smuggling of Migrants ر.ک.

“The Protocol against the Smuggling of Migrants by Land, Sea and Air, supplementing the Convention against Transnational Organised Crime.”

و این تقاضای بی‌پایان چیزی است که باعث می‌شود قاچاق انسان به تجارتي سودآور تبدیل شود (Dillon, 2008, p.170). بدین‌سان امروزه درعمل، استثمار و بهره‌کشی از انسان‌ها نه تنها کمتر از دوره برده‌داری نیست، بلکه در قالب قاچاق انسان، موضوع و دامنه جغرافیایی آن توسعه یافته است. اگر در گذشته هدف اصلی فروشندگان برده استفاده از نیروی کار بردگان بود، در حال حاضر، استفاده از اعضا و جسم آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است (اشتری، ۱۳۹۰، ص ۱۱ و ۱۵). در خصوص کمیت ارتکاب قاچاق انسان آمار مشخصی وجود ندارد، ولی در سطح جهانی از سوی سازمان‌های بین‌المللی مختلف آمارهایی به‌طور رسمی منتشر شده است. که از جمله برجسته‌ترین آمارهای منتشرشده در این زمینه، گزارش سال ۲۰۱۲م سازمان بین‌المللی کار^۱ و گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد^۲ است (European Union, 2013, p.18). سازمان بین‌المللی کار، قربانیان کار اجباری را در سال‌های میان ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱م حدود ۲۰/۹ میلیون نفر تخمین زده است که این تعداد شامل قربانیان قاچاق انسان برای کار اجباری و بهره‌کشی جنسی نیز می‌شود. در این گزارش تصریح شده که ۵/۵ میلیون نفر از این تعداد را کودکان تشکیل می‌دهند. البته باید یادآور شد که این آمار برآوردی محافظه‌کارانه^۳ است، چراکه این عمل اغلب جنایتی پنهان^۴ به‌شمار می‌آید و نمی‌توان انتظار داشت آمار دقیقی از آن در دست باشد (International Labour Office, 2012, p.13). همچنین دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در گزارشی که در این خصوص در دسامبر ۲۰۱۲ منتشر کرد، پس از اشاره به گزارش سازمان بین‌المللی کار و تصدیق آمار ۲۰/۹ میلیون برای قربانیان کار اجباری و قاچاق انسان، تصریح کرد که میان سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰م، زنان ۵۵ تا ۶۰ درصد از قربانیان قاچاق انسان شناسایی شده در سطح جهان را تشکیل می‌دادند. افزون بر این، طی این سال‌ها قاچاق کودکان رو به افزایش بوده است؛ به‌طوری که برابر آمار دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، قاچاق کودکان میان سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶م ۲۰ درصد از کل آمار بوده است. قاچاق کودکان در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰م افزایش یافته و به میزان ۲۷ درصد رسیده است. نکته قابل‌ملاحظه این است که بنابر گزارش موردنظر، از هر سه کودک قاچاق شده تقریباً دو نفر آنان دختر بوده‌اند (United Nations Office on Drugs and Crime, 2012, p.9-10). در واقع کودکان بیشتر از بزرگسالان مورد تقاضا هستند، چون هزینه کمتری به آن‌ها پرداخت می‌شود و احتمال کمتری وجود دارد که گلايه و شکایت کنند (Hartjen, 2012, p.141). همچنین گزارش این سازمان که در

1. The 2012 Report the International Labour Organisation.

2. United Nations Office of Drugs and Crime(UNODC).

3. a conservative estimate

4. Hidden crime

سال ۲۰۱۴م منتشر شده است نیز نشان از آمار روبه رشد این پدیده در سال‌های اخیر دارد. بر اساس این گزارش در عرصه جهانی اکثریت قریب به اتفاق قربانیان زن برای بهره‌برداری جنسی قاچاق می‌شوند و بسیاری از قربانیان مرد برای کار اجباری موضوع قاچاق انسان قرار می‌گیرند. این درحالی است که در سال ۲۰۱۱م حدود ۵۳ درصد از قربانیان شناسایی‌شده قاچاق انسان مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته و ۴۰ درصد این قربانیان برای کار اجباری قاچاق شده‌اند (United Nations Office on Drugs and Crime, 2014, p.33-35). آمار دیگری که کمیسیون اروپایی در سال ۲۰۱۳م منتشر کرده است، نشان می‌دهد که در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰م ۶۲ درصد از کل قاچاق انسان در اروپا برای سوء استفاده جنسی، ۲۵ درصد برای کار اجباری و ۱۴ درصد باقیمانده برای فروش اعضای بدن و گدایی کودکان صورت گرفته است که از این میان ۶۸ درصد قربانیان را زنان، ۱۲ درصد دختران و ۱۷ درصد مردان و ۳ درصد را پسران تشکیل می‌دهند. آمار پیش‌گفته نشان‌دهنده این مسئله است که در سراسر جهان قاچاق انسان برای بهره‌کشی جنسی بیشتر از قاچاق انسان برای کار اجباری است (European Commission, 2013, p.13&18). اگرچه نباید از نظر دور داشت که در سال‌های اخیر قاچاق انسان برای کار اجباری روند روبه رشد قابل‌توجهی یافته است (United Nations Office on Drugs and Crime, 2014, p.33) همان‌گونه که ملاحظه گردید، آمارهای ارائه‌شده همگی نشان از این واقعیت دارند که پدیده قاچاق انسان که کرامت انسانی را نادیده می‌انگارد و شخصیت حقوقی افراد را تخریب می‌کند، در حال رشد و توسعه است و در این میان قاچاق زنان و کودکان وضعیتی بحرانی‌تر نسبت به سایر افراد دارد. ماهیت استثمار و پنهان قاچاق زنان و کودکان باعث می‌شود مطالعه آن بسیار دشوار گردد، لکن مطالعه منابع معتبر حاکی از نمونه‌ها و آمار مخوفی از رویه قاچاق انسان در سطح بین‌المللی است. برای نمونه، وزارت امور خارجه آمریکا تخمین زده است که میان ۷۰۰ هزار تا ۲ میلیون زن هر ساله در سراسر جهان موضوع جرم قاچاق انسان قرار می‌گیرند که از این تعداد بیش از ۵۰ هزار زن و کودک در ایالات متحده قاچاق می‌شوند (Territo, 2010, Preface, p. . v). همچنین سالانه کودکان زیادی به فلسطین اشغالی قاچاق می‌شوند که اگرچه آماری از قاچاق کودکان در فلسطین اشغالی در دست نیست، ولی پلیس فلسطین اشغالی در خصوص کودکانی که به این سرزمین قاچاق می‌شوند، اظهار داشت که آن‌ها به شدت مورد سوء استفاده و شکنجه قرار می‌گیرند (Hartjen, 2012, p.150). در واقع عمده کشورهای که منابع زنان و کودکان قاچاق شده هستند، عبارت‌اند از: تایلند، چین، نیجریه، آلبانی، بلغارستان، بلاروس، مولداوی و اوکراین، و مقصدهای اصلی آن نیز بیشتر تایلند، ژاپن، فلسطین اشغالی، بلژیک، هلند، آلمان، ایتالیا، ترکیه، و ایالات متحده است (Hartjen, 2012, p.153). این مسائل درحالی صورت می‌گیرد که هر ساله تعداد کمی از

عاملان این جنایات دستگیر و محاکمه می‌شوند؛ به طوری که در سال ۲۰۰۶م به ازای هر ۸۰۰ نفر قاچاقچی انسان، حدوداً یک نفر مجرم شناخته شده است (Ceccarelli, 2013, p. 267). بر این اساس شایان یادآوری است که قاچاق انسان مرکز حقوق بشر را هدف گرفته است و مانع از اجرای حقوق شناخته شده قربانیان خود می‌شود؛ چراکه حقوق بشر با دشمنان تبعیض نژادی و جنسی جدال دارد و برابری و حداقل حقوق را برای همگان محترم می‌شمارد؛ در حالی که رفتارهایی چون کار اجباری، ازدواج اجباری و تجارت زنان و کودکان برای سوء استفاده جنسی و غیر آن، رفتارهایی هستند که با قاچاق انسان پیوند خورده‌اند؛ لذا شکی نیست که قاچاق انسان کلیت حقوق بشر را انکار کرده (Gallagher, 2010, p.5)، شناسایی شخصیت حقوقی انسان‌ها را به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق بشری تکذیب می‌نماید. از این رو، فردی که قاچاق می‌شود، در واقع در شرایط بردگی به سر برده و به سان کالا با او برخورد می‌شود تا جایی که حق شناسایی شخصیت حقوقی و حق کرامت انسانی وی نقض می‌گردد.^۱

در خصوص دیدگاه اسلام درباره قاچاق انسان، با توجه به مواردی که ابتدا در بحث برده‌داری سنتی ارائه شد، خاطر نشان می‌سازد که اسلام تحت هیچ شرایطی قاچاق انسان یا برده‌داری مدرن را نه تنها نپذیرفته است، بلکه قاطعانه آن را رد می‌کند. دلایل فراوانی وجود دارد که اسلام با صراحت کامل پدیده بردگی را یک جریان عارضی و غیرطبیعی زندگی اجتماعی آن روز که می‌بایست از بین برود، معرفی می‌نماید. برای نمونه در اسلام اصل اولیه در خصوص جایگاه افراد انسانی این است که همه انسان‌ها آزاد متولد شده‌اند.^۲ غیر از نمونه‌هایی که برای اثبات این سخن در گفتار پیشین به طور مفصل بیان شد، یکی از مواردی که به صراحت قاچاق انسان را از منظر اسلام مردود اعلام می‌نماید، روایتی است که از پیامبر اسلام نقل شده است که ایشان می‌فرمایند: «بردگی درباره ربه‌شده‌گان صحیح نیست و آنان همگی آزادند مانند سایر مردم»^۳. همچنین دلیل قطعی دیگری که برای این سخن باید ارائه شود، این است که در روایات شیعی^۴ و همچنین در کتاب‌های فقهی در خصوص احکام بیع و مکاسب محرمه بر این امر اتفاق نظر وجود دارد که از جمله مکاسب محرمه، خرید و فروش انسان آزاد است. از

۱. این عمل ناقض حقوق بنیادینی چون حق کرامت انسانی (بند ۱ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) و حق بر شناسایی شخصیت حقوقی (ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) می‌باشد که با تخطی از این حقوق، حقوق بشری دیگری که از کرامت و شخصیت انسانی نشئت می‌گیرند نقض می‌گردد.
 ۲. قال رسول الله (ص): «الناس کلهم أحرار، کلهم سواء تماماً كأسنان المشط» (حلوئی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۹)؛ قال الإمام علی(ع): «إن آدم لم یلد عبداً ولا أمة إن الناس کلهم أحرار» (نهج البلاغه: خطبه سی و هفتم).
 ۳. «لا عبودية لهؤلاء المختطفین و انهم احرارٌ مثل سائر الاحرار» (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰، ص ۴۴۷-۴۴۶).
 ۴. قال رسول الله(ص): «فإنه أتانی جبرئیل ع فقال یا مُحَمَّدُ إنَّ شَرَّ أُمَّتِكَ الَّذِينَ يَبِيعُونَ النَّاسَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۹)؛ عن أبي عبدالله الصادق (ع): «شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ النَّاسَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۱۴).

این رو، با توجه به توضیحات پیش‌گفته، اسلام نه‌تنها برده‌داری را محدود نموده است، بلکه آن را به تدریج از میان برده است؛ تا جایی که امروزه انسانی که احکام بردگی بر او جاری باشد، وجود ندارد؛ لذا باید قاطعانه به این امر قائل بود که قاچاق انسان یا همان برده‌داری مدرن با مبانی و اندیشه اسلامی کاملاً در تعارض است.

جایگاه منع برده‌داری در میان اسناد و قواعد حقوق بین‌الملل

از جمله موارد مهمی که در این خصوص باید به آن اشاره شود، جایگاه قاعده ممنوعیت بردگی در حقوق بین‌الملل است. اینکه این قاعده تا چه حدی از پذیرش جامعه بین‌المللی برخوردار است، ضرورت عمل به آن و جلوگیری از به‌بردگی گرفتن افراد در قالب برده‌داری سنتی یا برده‌داری مدرن را نمایان می‌سازد. در واقع «منع بردگی» قاعده‌ای است که به لحاظ اهمیت و جایگاه ویژه‌ای که در حمایت از افراد انسانی دارد، در اسناد و معاهدات بین‌المللی متعددی مورد توجه و عنایت واقع شده است. «حق افراد به آزادی از بردگی» در حقوق بین‌الملل به‌عنوان حق اساسی بشر تعریف شده است؛ به‌طوری که یکی از شدیدترین و قوی‌ترین قواعد بین‌المللی را در خصوص منع برده‌داری در سطح جامعه بین‌الملل شاهد هستیم.

۱. جایگاه منع برده‌داری در میان اسناد بین‌المللی

به لحاظ تأثیر مخرب بردگی بر عدم شناسایی شخصیت حقوقی انسان‌ها و در نتیجه اجرا نشدن سایر حقوق بشری، نسبت به این گونه افراد و تنزل وضعیت حقوقی انسانی ایشان، از دیرباز تلاش جامعه جهانی بر آن بوده تا با این مسئله که در آن روزگاران ریشه‌های عمیق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی داشته است، مبارزه کند. در راستای جلوگیری از توسعه و مهار این پدیده نامیمون، از سال ۱۸۱۵ تا ۲۰۰۵م بیش از ۳۰۰ سند حقوقی و موافقت‌نامه بین‌المللی در مبارزه با برده‌داری تدوین شده است (Bales, 2005, p.41). نخستین سند بین‌المللی که ممنوعیت جهانی تجارت بردگان را اعلام کرد، اعلامیه ۱۸۱۵م^۱ بود که در وین امضا شد. این اعلامیه اذعان می‌داشت که تجارت برده «با اصول مربوط به بشریت و اخلاق جهانی مخالف است».^۲ اعلامیه یادشده که به‌مثابه اولین پیروزی جنبش طرفداران الغای برده‌داری است (Bassiouni, 2008, p.543)، نقطه عطفی برای ممنوعیت و لغو جهانی برده‌داری محسوب می‌شود؛ هرچند ضمانت اجرایی برای حذف برده‌داری ارائه نکرده و به‌صراحت برده‌داری را یک جنایت کیفری به

1. The Vienna Declaration 1815.

2. Repugnant to the principle of humanity and universal morality.

حساب نیاورده است، اما به عنوان نخستین تلاش بین‌المللی که قدرت‌های بزرگ آن روز در برابر برده‌داری انجام داده‌اند، حائز اهمیت است (Scarpa, 2008, p.42). پس از جنگ جهانی اول در پی مجاهدت‌های جنبش طرفدار الغای برده‌داری، توجه بین‌المللی به الغای برده‌داری و بردگی متمرکز گردید (Bales, 2005, p.42) و با تأسیس جامعه ملل، کنوانسیون بردگی ۱۹۲۶م^۱ در چارچوب جامعه ملل تصویب شد. کنوانسیون حاضر مرحله مهمی در تحقق الغای برده‌داری سنتی می‌باشد. این معاهده تعریف جامعی از بردگی ارائه می‌کند که همچنان در قضایایی که به برده‌داری مدرن مربوط می‌شوند، مورد استناد مراجع بین‌المللی است. کنوانسیون ۱۹۲۶م در بند ۱ نخستین ماده خود، بردگی را این چنین توصیف می‌نماید: «بردگی وضعیت یا شرایط یک شخص است که هر یک از اختیارات متصل به حق مالکیت یا همه آنها نسبت به او اعمال می‌گردد»^۲. پس از پایان جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل متحد، کنوانسیون تکمیلی ۱۹۵۶م^۳ برای اصلاح و تکمیل کنوانسیون ۱۹۲۶م جامعه ملل، تحت نظارت سازمان ملل متحد تصویب گردید^۴. به دنبال تلاش‌های بین‌المللی از قرن هجدهم تا قرن نوزدهم، برده‌داری سنتی در حقوق بین‌الملل ملغاً، و برده‌داری به صورتی پایدار و قطعی به عنوان تخلفی آشکار از حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شد. پس از آن در سال ۱۹۴۸م «حق افراد به آزادی از بردگی» به عنوان یکی از حقوق اساسی بشری در اعلامیه جهانی حقوق بشر ظهور و بروز یافت. ماده ۴ این اعلامیه این چنین بیان می‌دارد: «هیچ کس را نباید در بردگی یا بندگی محصور نمود. برده‌داری و تجارت برده باید در تمامی اشکال خود لغو شود»^۵. پس از تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر، نظام بین‌الملل منع بردگی و برده‌داری را از جمله حقوق بنیادین و هنجارهای اساسی معرفی کرده است که تخطی ناپذیر است. از این رو، در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به این حق بشری اشاره شده است؛ از جمله در ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در آن تأکید شده است که هیچ کس را نمی‌توان در بردگی نگه داشت و این ماده به ممنوعیت تجارت بردگان به هر نحو و ممنوعیت کار اجباری غیر از مواردی که از جمله الزامات

1. The 1926 Slavery Convention or the Convention to Suppress the Slave Trade and Slavery.
2. Slavery is the status or condition of a person over whom any or all of the powers attaching to the right of ownership are exercised.
3. Supplementary Convention (1956).
۴. بر اساس این کنوانسیون تکمیلی دولتهایی که کنوانسیون ۱۹۲۶م را امضا کرده‌اند، باید در اسرع وقت نسبت به لغو کامل و ممنوعیت بردگی و رفتارهای مشابه آن همچون دین بردگی (debt bondage)، غلامی یا رعیتی (serfdom)، ازدواج اجباری (unfree marriages)، استثمار جوانان برای کارگری (exploitation of young people for their labor)، اقدام نمایند.
5. No one shall be held in slavery or servitude; slavery and the slave trade should be abolished in all their forms.

اجتماعی هستند، مانند خدمت وظیفه یا کار اجباری منتج از مجازات قانونی، پرداخته است. هم‌راستا با ماده ۸ میثاق، ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و ماده ۶ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر نیز بر ممنوعیت بردگی تصریح دارند. افزون بر این، ماده ۵ منشور افریقایی حقوق بشر و مردم، پس از تصریح بر حق برخورداری افراد از شخصیت حقوقی و حق کرامت انسانی، تمامی صور استثمار و تحقیر انسان از جمله برده‌داری و تجارت برده را منع می‌کند. منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۰^۱ نیز در این خصوص قابل توجه است. ماده ۵ این منشور^۲، با عنوان ممنوعیت برده‌داری شامل ممنوعیت بردگی، کار اجباری و قاچاق انسان است. در این میان نباید از معاهدات خاصی^۳ که در این زمینه تدوین یافته‌اند، غافل شد. در نهایت، اشاره به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی^۴ خالی از لطف نیست. این اساسنامه از جمله معاهدات مهمی است که با نگاهی کیفری بردگی را توصیف کرده است و به وظایف انسان‌ها در از بین بردن بردگی تصریح دارد. پاراگراف اول بخش c ماده ۷، برده‌داری را در شمار «جنایات علیه بشریت»^۵ قرار داده و در پاراگراف دوم بخش c همان ماده، برده‌داری را به معنای اعمال هر یک یا تمامی اختیارات متصل به حق مالکیت بر یک نفر دانسته و آن را به بردگی مدرن نیز تسری داده و شامل اعمال چنین اختیاری در جریان قاچاق انسان خصوصاً زنان و کودکان نیز نموده است.^۶

۲. جایگاه منع برده‌داری در میان قواعد حقوق بین‌الملل

«ممنوعیت برده‌داری» دارای جایگاهی برجسته در میان قواعد حقوق بین‌الملل است. «حق افراد به آزادی از بردگی» با عنایت به بند ۲ ماده ۴ و ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۲ ماده ۱۵ و بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند ۲ ماده ۲۷ و ماده ۶ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، از جمله «حقوق غیرقابل تعلیق» می‌باشد که برای بهره‌مندی

1. The Charter of Fundamental Rights of the European Union.
2. "No-one shall be held in slavery or servitude. No one shall be required to perform forced or compulsory labour. Trafficking in Human Beings is prohibited."
3. International Convention for the Suppression of the Traffic in Women and Children 1921; the UN Convention for the Suppression of the Traffic in Persons and of the Exploitation of the Prostitution of Others 1949; Protocol to Prevent, Suppress and Punish Trafficking in Persons, Especially Women and Children, supplementing the United Nations Convention against Transnational Organized Crime 2000.
4. Rome Statute of the International Criminal Court, Done at Rome on 17 July 1998, in force on 1 July 2002.
5. Crimes Against Humanity
6. Includes the exercise of such power in the course of trafficking in persons, in particular women and children.

کامل از حقوق و آزادی‌های بشری لازم و ضروری است و در هیچ اوضاع و احوالی حتی در مواقع فوق‌العاده و اضطراری لغو نمی‌شود و در زمان صلح و جنگ یا شرایط نظامی نیز مورد احترام است (Office of the High Commissioner for Human Rights, 2003, p.449). نکته قابل‌ملاحظه در این خصوص این است که حق به‌بردگی کشیده نشدن از جمله حقوق غیرقابل تعلیقی است که در اسناد بین‌المللی به صورت مطلق بیان شده و از این رو، حق یادشده، از جمله «حقوق مطلق»^۱ است و هیچ دولتی نمی‌تواند تعهداتش را در این زمینه محدود نماید. در عین حال، دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه بارسلونا تراکشن اعلام کرد که اصول و قواعد مربوط به حقوق اساسی انسان از جمله حفاظت از برده‌داری^۲، یکی از نمونه‌های تعهدات عام‌الشمول^۳ است؛ چراکه دولت‌ها در تکلیفشان نسبت به منع و جلوگیری از برده‌داری در قبال جامعه بین‌المللی در کل^۴ متعهدند (Barcelona Traction, 1970, para. 33-34). به این مسئله در رویه قضایی بارها توجه شده است. دیوان کیفری یوگسلاوی سابق در قضیه کوناراک و دیگران تأکید می‌کند که اشکال معاصر برده‌داری به‌عنوان جنایت علیه بشریت در حقوق بین‌الملل عرفی شناسایی شده است (Prosecutor v. Kunarac, 2002, para. 17). در این راستا کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۲۴ بر این امر که ممنوعیت برده‌داری از قواعد عرفی بین‌المللی است، صحه گذاشته و تصریح می‌نماید که «دولت‌ها نمی‌توانند حق مشارکت کردن در بردگی^۵ را برای خودشان رزرو کنند» (Human Rights Committee, General Comment 24(52), 1994, para. 8). از این رو، در حال حاضر در حقوق بین‌الملل این اصل به‌خوبی تثبیت شده است که ممنوعیت برده‌داری از قواعد مستقر در حقوق بین‌الملل عرفی می‌باشد که به درجه قاعده آمره بین‌المللی نائل شده است (Bassiouni, 2008, p. 535). برای نمونه کمیسیون حقوق بین‌الملل در یکی از گزارش‌های خود اذعان کرد که «ممنوعیت برده‌داری یکی از قدیمی‌ترین و بهترین قواعد مستقر در قواعد آمره است»^۶ (Report of the International Law Commission to the General Assembly). همان‌گونه که ملاحظه‌شد، تمامی موارد پیش‌گفته نمایانگر جایگاه برجسته و ممتاز قاعده ممنوعیت بردگی در حقوق بین‌الملل است. موقعیت ویژه قاعده منع بردگی در حوزه حقوق بین‌الملل غیرقابل انکار است؛

1. Absolute Rights

2. Protection from Slavery

۳. تعهدات ارگا اومنس (Erga Omnes) یا تعهدات عام‌الشمول، تعهداتی هستند که به لحاظ اهمیتی که دارند، دغدغه تمامی دولت‌ها را برمی‌انگیزند و همه کشورهای می‌توانند به منافع حقوقی که در حمایت از این حقوق دارند، استناد نمایند. برای مطالعه بیشتر ر.ک. احمدی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۹۸۴-۹۶۱.

4. International community as a whole

5. The right to engage in slavery

6. Slavery is one of the oldest and best settled rules of Jus Cogens.

چراکه به‌بردگی گرفتن انسان‌ها حق بنیادین آنان را در خصوص اینکه به‌عنوان یک شخص در برابر قانون شناسایی شوند^۱، زایل نموده، وضعیت ایشان را در حد کالا تنزل می‌دهد و در نتیجه سایر حقوق بشری مورد تأیید حقوق بین‌الملل را نسبت به قربانیان بی‌تأثیر و کأن لم یکن خواهد نمود.

نتیجه

برده‌داری پدیده‌ای حقوقی-اقتصادی است که سابقه‌ای بس کهن دارد و در طول اعصار با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. روزگاری این عمل آن‌چنان طبیعی و قانونی به‌نظر می‌رسید و با فرهنگ و عقاید مردمان درهم آمیخته بود، که خلاف آن تصور نمی‌شد و به‌دلیل پیوند غیرقابل تفکیک برده‌داری با تمامی ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن روزگار هیچ فیلسوف و مصلحی به انکار آن قیام نکرده بود. در این چنین شرایطی که انسانیت بردگان نفی می‌شد، در اوایل قرن هفتم میلادی دین نوپای اسلام شأن و منزلت انسان‌ها را برابر دانست و انسان‌هایی را که به‌سان کالا خرید و فروش می‌شدند، با صاحبانشان برادر و برابر شمرد. اگرچه حذف کامل برده‌داری در آن زمان میسر نشد، ولی اسلام انسانیت و شخصیت را به بردگان بازگرداند؛ تا جایی که نه‌تنها با فرهنگ‌سازی و عرضه قواعد محدودکننده در این زمینه، برده‌داری را مقید به قیودی نمود، بلکه با اعمال محدودیت‌های متعدد بر آن به تدریج زمینه‌ی محو و الغای بردگی را فراهم آورد. در این میان سنت برده‌داری تا قرن‌ها پس از ظهور اسلام (تا میانه قرن نوزدهم میلادی) در جامعه جهانی رواج داشت و سرانجام در پس سال‌ها مبارزه، جامعه بین‌المللی لغو کامل برده‌داری را پذیرفت. امروزه قاعده منع بردگی در بالاترین سطح از قواعد بین‌المللی جای دارد و قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر است که با پذیرش مضاعف جامعه بین‌المللی روبرو است و در هیچ جای جهان برده‌داری به‌عنوان امری قانونی شناخته نمی‌شود. لکن این معضل حقوقی-اقتصادی هرگز در طول تاریخ متوقف نشده و صرفاً شکل و تعریف آن متحول شده است؛ به‌طوری که در حال حاضر برده‌داری مدرن به‌عنوان مسئله و مشکلی بین‌المللی مطرح شده و در قالب قاچاق انسان نمود و بروز یافته است. قاچاق انسان که جرمی مرکب است، هر نوع سوء استفاده از افراد را دربر می‌گیرد که فرد را از حیطة حمایت و شناسایی قانون خارج کرده و با تخریب شخصیت حقوقی او، فرد را مجبور به تن‌فروشی، بهره‌کشی جنسی، کار اجباری نموده، گاه اعضای وی را به‌فروش می‌رساند. در این چارچوب انسان‌ها همچون کالایی فاقد موضوعیت حقوقی محسوب می‌شوند و به‌عبارتی بردگانی بیش نیستند. نکته تأسف‌بار اینکه این جرم بین

۱. موضوع مواد ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

المللی که ناقض حقوق بنیادین بشری است، اغلب نسبت به زنان و کودکان اعمال می‌شود و به تجارتی کم‌خطر و سودآور تبدیل شده و از تجارت سلاح و مواد مخدر نیز پیشی گرفته است. بدین‌سان امروزه درعمل، استثمار و بهره‌کشی از انسان‌ها در قالب قاچاق انسان یا برده‌داری مدرن، موضوع و دامنه جغرافیایی گسترده‌تری نسبت به برده‌داری سنتی یافته است. در خصوص رهیافتی که دین مبین اسلام در زمینه برده‌داری مدرن یا قاچاق انسان ارائه می‌دهد، شایان ذکر است که دلایل فراوانی وجود دارد که اسلام باصراحت کامل پدیده بردگی را به‌عنوان یک جریان عارضی و غیرطبیعی زندگی اجتماعی آن روز که می‌بایست از بین برود، معرفی کرده و قرن‌ها پیش‌تر از اقدام جامعه جهانی بر اعمال محدودیت بر آن تلاش نموده است. همان‌گونه که بیان گردید، در احکام اسلامی بارها بر این امر تأکید شده که خرید و فروش انسان آزاد حرام است، و با عنایت به این مهم که امروزه انسانی که احکام بردگی بر او جاری باشد وجود ندارد، باید قاطعانه به این امر قائل بود که قاچاق انسان یا همان برده‌داری مدرن با مبانی و اندیشه اسلامی کاملاً در تعارض است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. احمدی نژاد، مریم (زمستان ۱۳۹۱)، «تعهدات در قبال جامعه بین‌المللی و جایگاه آن در حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۶، ص ۹۸۵-۹۶۱.
۲. ارسطو (۱۳۵۴)، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
۳. اشتری، بهناز (۱۳۹۰)، قاچاق زنان بردگی معاصر، تهران: نشر میزان.
۴. پاینده، ابوالقاسم (بی تا)، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)، تهران: دنیای دانش.
۵. جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۰)، تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، چاپ اول، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
۶. حبیب‌زاده، محمدجعفر و مقدسی، محمدباقر و جعفری دولت‌آبادی، عباس (زمستان ۱۳۸۸)، «قاچاق انسان در حقوق کیفری ایران»، پژوهشهای حقوق تطبیقی، دوره ۱۳، شماره ۴، ص ۱۲۳ - ۹۹.
۷. حسینی، سیدابراهیم (۱۳۸۲)، اصل منع توسل به زور و موارد استثنای آن در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر، قم: نشر معارف.
۸. دورانت، ویل (۱۳۷۰)، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، امیرحسین آریان‌پور و...، جلد اول

- (مشرق گهواره تمدن)، چاپ سوم، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی تا)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. عرب ابوزیدآبادی، عبدالرضا (زمستان ۱۳۸۵)، «بردگان از جاهلیت تا اسلام (تحلیل و بررسی تاریخی)»، دوفصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، سال سوم، شماره ۴ (پیاپی ۱۲)، ص ۱۰۹-۱۵۰.
۱۱. قرشی بنایی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، جلد پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. کک دین، نگوین، پاتریک دیبه، آلن پله (۱۳۸۲)، حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه: حسن حبیبی، جلد اول، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۳. کولایی، الهه (۱۳۸۶)، «عوامل و انگیزه های قاچاق انسان با تأکید بر آسیای مرکزی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۴، ص ۱۵۳-۱۷۰.
۱۴. محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۲)، «حق استئثار در حقوق بین‌الملل اسلامی براساس کتاب و سیره نبوی»، اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌الملل با همکاری نشر میزان.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر (اردیبهشت ۱۳۳۸)، «اسلام و بردگی»، نشریه مکتب تشیع، پیش شماره.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، اسلام و آزادی بردگان، چاپ هشتم، قم: انتشارات نسل جوان.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، جلد دوم، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۷۷)، حقوق جزای بین‌الملل، تهران: نشر میزان.
۱۹. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۸)، دادگاه کیفری بین‌المللی، تهران: نشر دادگستر.
۲۰. هایلی، الکس (۱۳۶۱)، ریشه‌ها (Alex Haley, Roots)، ترجمه محمدتقی کرباسی و حسن مروی، تهران: بدرقه جاویدان.

ب) عربی

۱. القرآن الکریم.
۲. النهج البلاغه.
۳. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، المجلد الثالث، قم: دفتر انتشارات

- اسلامی.
٤. أبی زهره، محمد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد (١٤٢٥ق)، خاتم النبیین صلی الله علیه و آله وسلم، المجلد الثاني، القاهرة: دارالفکر العربی.
٥. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن (١٤٠٨ق)، نزهه الناظر و تنبيه الخاطر، قم: مدرسه الإمام المهدي (عج).
٦. کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٠٧ق)، الکافی، المجلد الخامس، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
٧. مصطفوی، حسن (١٣٦٨)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، المجلد العاشر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
٨. مغنیه، محمد جواد (١٩٩٩م)، فی ظلال نهج البلاغه: محاوله لفهم جدید، المجلد الأول، بیروت: دارالعلم الملايين.
٩. منسوب به علی بن موسی علیه السلام (١٤٠٦ق)، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (ع)، مشهد: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

ج) انگلیسی

Books and Articles:

10. Allain, Jean (2008) *The Slavery Conventions: The Travaux Préparatoires of the 1926 League of Nations Convention and the 1956 United Nations Convention*, vol.1, Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers.
11. Allain, Jean (2009) "Case Notes R v. TANG Clarifying the Definition of 'Slavery' in International Law", *Melbourne Journal of International Law*, Vol.1, pp. 246-257.
12. Anne T. Gallagher (2010) *The International Law of Human Trafficking*, USA: Cambridge University Press.
13. Bales, Kevin (2005) *Understanding Global Slavery: A Reader*, University of California Press.
14. Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain) (1970) *International Court of Justice*, Judgment of 5 Feb. 1970.
15. Bassiouni, M. Cherif (2008) *International Criminal Law: International Enforcement*, Volume 3, Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers.

Cases:

16. Ceccarelli, Nicolò (2013) *2CO Communicating complexity: 2013 Conference Proceedings*, Roma: Edizioni Nuova Cultura.
17. Council of Europe Convention on Action Against Trafficking in Human Beings (2005) by the Committee of Ministers, 16 May 2005, Warsaw.
18. Council of Europe (2013) *Council of Europe Convention on Action Against Trafficking in Human Beings: CETS No. 197 Opened for Signature in Warsaw (Poland) on 16 May 2005 and Explanatory Report*, printed at the Council of Europe.

19. Dred Scott v. Sanford(1857) Judgment in the U.S. Supreme Court, decision in 1857.
20. Esmeir, Samera(2012)Juridical Humanity: A Colonial History, Stanford(California): Stanford University Press.
21. European Commission(2013) Trafficking in human beings, Publications Office of the European Union.
22. European Union(2013) Trafficking in human beings, Publications Office of the European Union.
23. Galchinsky, Michael(2011) The 'War on Terror' and the Right to Legal Personality, Center for Human Rights and Democracy, Atlanta: Georgia State University.
24. Graziani-Weiss v. Austria(2011) Eur. Ct. H.R., Application no. 31950/06, Judgment on 18 October 2011.
25. Gupta, Birendra Kumar(2011)Trafficking and the Law, New Delhi: Human Rights Law Network.
26. Harrill, James Albert(1998) The Manumission of Slaves in Early Christianity, Second Edition, Mohr Siebeck.
27. Hartjen, Clayton, S. Priyadarsini(2012), The Global Victimization of Children: Problems and Solutions, springer, New York.
28. Henner, Peter(2009)Human Rights and the Alien Tort Statute: Law, History, and Analysis, USA: American Bar Association.
29. Human Rights Committee(1994) General Comment 24(52), General comment on issues relating to reservations made upon ratification or accession to the Covenant or the Optional Protocols thereto, or in relation to declarations under article 41 of the Covenant,UN Doc CCPR/C/21/Rev.1/Add, 6dated 11 November1994.
30. Human Rights Council(2012) Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, A/HRC/19/58/Rev.1 , 2 March 2012.
31. International Labour Office (2012) ILO Global Estimate of Forced Labour Results and methodology, Geneva: ILO publications.
32. Johnson, Scott Patrick(2011) Trials of the Century: An Encyclopedia of Popular Culture and the Law, vol. 1, USA: Greenwood Publishing Group.
33. Junius , P Rodriguez(2011) Slavery in the Modern World: A History of Political, Social, and Economic Oppression, vol. 2, USA: ABC-CLIO.
34. Morsink ,Johannes(2011)The Universal Declaration of Human Rights: Origins, Drafting, and Intent, USA: University of Pennsylvania Press.
35. Office of the High Commissioner for Human Rights (2003) Human Rights In The Administration of Justice:A Manual on Human Rights For Judges, Prosecutors And Lawyers, New York: United Nations Publications.
36. Prosecutor v. Kunarac, Vukovic and Kovac(2002) International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), (Appeals Chamber), judgment of 12 June 2002.
37. Protocol to prevent, suppress and punish trafficking in persons, especially women and children(2000) supplementing the United Nations Convention against Transnational Organized Crime, 15 November 2000, New York.
38. Rantsev v. Cyprus and Russia, European Court of Human Rights, Application no. 25965/04, Judgment on7 January 2010.

39. Report of the International Law Commission to the General Assembly (1963) UN Doc.A / CN.4 / Ser.A/Add.1.
40. Rita, Joseph(2009) Human Rights and the Unborn Child, Netherlands :Martinus Nijhoff Publishers.
41. Rome Statute of the International Criminal Court(1998), Adopted by the United Nations on 17 July 1998, Entry into force: 1 July 2002, Rome.
42. Sadat ,Leila Nadya, Michael P. Scharf(2008) The Theory and Practice of International Criminal Law: Essays in Honor of M. Cherif Bassiouni, Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers.
43. Sara Dillon(2008), "What Human Rights Law Obscures: Global Sex Trafficking and the Demand for Children", UCLA Women's Law Journal, Vol. 17:121, Escholarship University of Californi, pp. 121-186.
44. Scarpa, Silvia(2008) Trafficking in Human Beings: Modern Slavery, New York: Oxford University Press.
45. Slavery Convention (1926) Convention to Suppress the Slave Trade and Slavery, created under the auspices of the League of Nation, Signed at Geneva on 25 September 1926, Entry into force on 9 March 1927.
46. Smith ,Rhona K.M.(2007) Textbook on International Human Rights, 3rd Edition, New York: Oxford University Press.
47. Territo, Leonard, George Kirkham(2010), International Sex Trafficking of Women & Children: Understanding the Global Epidemic, Looseleaf Law Publications.
48. The Protocol against the Smuggling of Migrants by Land, Sea and Air, supplementing the Convention against Transnational Organised Crime”(2000), Entry into force:28 January 2004, New York.

Treaties and Documents:

49. United Nations Office on Druge and Crime(2010) Combating Trafficking in Persons in Accordance with the Principles of Islamic Law, New York: United Nations publication.
50. United Nations Office on Drugs and Crime(2014) Global Report on Trafficking in Persons 2014, New York :United Nations publication.
51. United Nations Office on Drugs and Crime(UNODC)(2012)Global Report on Trafficking in Persons 2012, United Nations publication, New York.
52. Van Der Mussele v. Belgium, European Court of Human Rights, Application no. 8919/80, Judgment on 23 November 1983.

Website:

53. http://en.wikipedia.org/wiki/1926_Slavery_Convention.